

## محل البرکه و اهمیت آن در آثار مبارکه

وحید رافتی

در هنگام مطالعه مطالب و مدارک مربوط به تاریخ امر بهائی در روسیه<sup>۱</sup> مدرکی ملاحظه گردید که در باره تأسیس «محل البرکه» در مدینه عشق آباد به سال ۱۳۱۷ ه.ق. – ۱۸۹۹ م به رشته تحریر در آمده است. متن این مدرک با توضیحاتی مختصر نیلاً درج خواهد شد. اما برای آن که با سابقه تاریخی محل البرکه و اهمیت آن در آثار و الواح بهائی آشنائی حاصل گردد ابتدا فقراتی از آن آثار را که حاوی مطالب و اشارات و تصریحاتی در باره محل البرکه می باشد نقل می نماید و سپس به درج مدرک مزبور می پردازد.

در الواح جمال قدم که از حدود اوائل دهه ۱۲۹۰ ه.ق. – ۱۸۷۳ م به بعد از قلم آن حضرت نازل شده به کرات اصطلاح محل البرکه به کار رفته و سپس این اصطلاح در آثار حضرت عبدالبهاء انعکاس یافته و گه گاه از آن با اصطلاح «شرکت خیریه» و «صندوق خیریه» نیز یاد شده و گویی اصطلاح «سرمایه ملی» نیز که در آثار حضرت ولی امرالله ملاحظه می گردد اصطلاحی با معانی و مفاهیم مشابه با همان اصطلاح محل البرکه ای است که در آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء آمده است.

جمال قدم از جمله در یکی از الواح مبارکه که به تاریخ ۲۷ محرم سنه ۱۲۹۸ ه.ق. – ۳۰ دسامبر ۱۸۸۰ م مورخ می باشد و خطاب به «جناب علی قبل محمد» [ابن اصدق] عزّ نزول یافته چنین می فرماید:

"الحمد لله الذي تجلّى باثر قلمه الاعلى من فى الملكوت الانشاء ... اما فقره محل البرکه بسیار محبوب است و حکم صریح هم از قبل از قلم اعلى نازل ولکن باید امرش در ستر باشد، چه که بعضی از دوستان ضعیفند به اندک وهنی و وهمی ذکر می نمایند و نفوس ظالمه هم منتظر، اگر متعرض نشوند شاید مطالبه وجه موجود را بنمایند. اخذ وجه قابل نبوده و نیست ولکن امثال این امور شاید سبب احزان نفوس مقدسه گردد. لذا باید کمال حکمت در امور ملاحظه شود ... این محل البرکه را حق قرار داده از برای خیر من علی الارض. معذک اگر مطلع شوند به نوحه و ندبه و اشریعتا قیام نمایند ..."<sup>۲</sup>

و نیز جمال قدم در لوحی دیگر چنین می فرماید: " ... جناب اسد و ابن اسمی الاصدق علیهم بهائی به خدمت امر قیام نموده اند و آنچه در اراضی خا از مشرق الاذکار و محل البرکه اجرا داشته اند از قلم اعلى امضاء شد، انه يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد، لا اله هو المقنن القدير ..."<sup>۳</sup>

و نیز حضرت بهاء الله در لوح «جناب آقا میرزا اسدالله» که محتملاً همان «جناب اسد» مذکور در لوح فوق است و به تاریخ ۶ جمادی الثانی سنه ۱۲۹۸ ه.ق. – ۵ می ۱۸۸۱ م مورخ می باشد چنین می فرماید:

"حمد محبوبی را لایق و سزااست که آفتاب کلمه علیا را از افق لوح به حرکت قلم اعلیٰ ظاهر فرمود ... و این که در باره محل البرکه ذکر فرمودید در ارض خا آنچه اجرا شد لدی العرش ممضی و مقبول ولکن در ارض ی و ش و ط و ق و ک نظر به حکمت منزله در این ایام جایز نه الی ان یأتی یومه و حینه. معلوم است این عمل خیر اکبر است از برای کل و هر عملی امروز ظاهر شود و از عاملی صادر گردد او سلطان اعمال لدی الله محسوب و این کلمه مبارکه از لسان عظمت از قبل اصغاء شده هر امری و هر عملی و هر کلمه ای الیوم به طراز قبول الله مزین شود عرف آن الی الابد بوده و خواهد بود. همچنان که از برای حق جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم کبریانه شبه و مثلی نبوده از برای اعمال طیبیه هم که در ایام الهی لوجه الله ظاهر شود شبه و مانند نبوده و نخواهد بود ... یا حبیب قلبی باید جمیع نفوس مقدسه در صدد آن باشند که افسردگی و برودت عالم را به نار کلمه اسم اعظم تبدیل نمایند. حضرت افنان علیه من کل بهاء ابهه دست خطی به جناب اسم ۶۶ [الله] م علیه بهاء الله الابهی ارسال نمودند و همچو مصلحت دیدند که محل البرکه در اطراف این ارض در محلی معین شود و این فقره در ساحت اقدس مقبول واقع شد و البته هر عملی الیوم واقع شود در این ارض و یا اراضی که حول این ارض مقدسه است او از شمس اعمال در جمیع عوالم مذکور و نفعات آن از عالم مقطوع نخواهد شد. ان شاء الله جمیع دوستان الهی موفق شوند به آنچه الیوم سزاوار است ...".<sup>۴</sup>

و در اثر دیگری از جمال قدم که به تاریخ ۱۲ ذی قعدة سنه ۱۲۹۸ ه.ق. - ۷ اکتبر ۱۸۸۱ م مورخ می باشد چنین مذکور است:

"حمد مقدس از ادراک موجودات ساحت عزّ مقصود را لایق و سزااست که جمیع عوالم نامتناهی را به دو حرف از غیب به عرصه شهود آورد ... و این که در باره محل البرکه نوشته بودید بلی چندی قبل حضرت افنان علیه بهاء الابهی و همچنین جناب آقا میرزا اسدالله علیه ۶۶۹ [بهاء الله] به ساحت اقدس عرض نمودند و به طراز قبول فائز شد و فی الحقیقه آنچه در این ایام از امورات خیریه و اعمال حسنه ظاهر شود نفعات آن منقطع نخواهد شد. طوبی لمن تمسک بالمعروف و نهی الناس عن المنکر. ان الخادم یسئل ربّه بان یوفق الكل علی ما یرتفع به کلمه الله و ما یبقی به اذکارهم و اسمائهم انه معین المقبلین و مجیب السائلین ...".<sup>۵</sup>

و در لوحی دیگر که به تاریخ ۲۹ ذی قعدة سنه ۱۲۹۷ ه.ق. - ۴ نوامبر ۱۸۸۰ م مورخ می باشد و مصدر به عبارت «الحمد لله الذی اظهر الوجه بعد فناء الاشیاء ...» است، چنین می فرمایند:

"... و اینکه در باره مشرق الأذکار و محلّ البرکه مرقوم داشته بودید عرض شد فرمودند فقره مشارق الاذکار در کتاب اقدس نازل ولکن جمیع امور الیوم معلق به حکمت است در هر بلد که اقتضا نماید و مخالف حکمت نباشد باسی نیست. هذا ما حکم الله به من قبل و فی هذا الحین. الیوم بر هر نفسی ملاحظه حکمت لازم و واجبست ...".<sup>۶</sup>

و نیز حضرت بهاء الله در لوحی دیگر که به تاریخ ۱۹ ربیع الاول سنه ۱۲۹۹ ه.ق. - ۸ فوریه ۱۸۸۲ م مورخ می باشد چنین می فرمایند:

"حمداً لمن نور العالم بانوار اسمه الاعظم ليعرف الامم ما يقربهم اليه فضلاً من عنده ... و در باب محل البرکه آنچه حضرت افغان عليه من كل بهاء ابهه مصلحت دانند محبوب است و این کلمه ای است که از قبل از لسان مبارک اصغاء شد ..."<sup>۷</sup>

و در یکی دیگر از الواح مبارکه صادره به اعزاز «جناب میرزا اسدالله» چنین نازل:  
"الامر لله الذي امسك قلّمه الاعلى في اشهر معلومات بما اظلم افق الامانة بما اكتسبت ایدی اهل الانشاء ... آنچه در مشرق اذکار ذکر نمودی لدى العرش مقبول افتاد و همچنین ما ذکرته فی محل البرکه، انا نذكر الذين اجتمعوا و يجتمعون لخدمة الله ليفرحوا و يكونن من الشاکرين، عليهم بهائی و زکری و ثنائی ان ربک لهو المقتدر الحکیم ..."<sup>۸</sup>  
در باره محل البرکه و یا شرکت خیریّه در مکاتیب حضرت عبدالبهاء از جمله چنین آمده است:

"بادکوبه - جناب آقا میرزا علی اکبر نجوانی علیه بهاء الله الابهی - ای ثابت بر پیمان در ایام حضور و تشرف به تربت مقدسه بعضی سئوالات نموده بودید ... قضیه محل البرکه نظیر شرکت سائره است و این نیز به قرارداد بیت العدل باید مبلغی از منافع صرف امور برّیه گردد ..."<sup>۹</sup>

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوح «انجمن روحانی احباء» در طهران چنین می فرماید:  
"ای بندگان جمال مبارک از قرار معلوم از کثرت اغتشاش امر تبلیغ اندکی مهجور مانده ... در خصوص شرکت خیریّه البته باید اهمیت داد. اصحاب حضرت روح روحی له الفداء یازده نفر بودند و صندوق خیری تشکیل نمودند، پس ترتیب صندوق آن قدر اهمیت داشت و علیکم البهء الابهی. ع ع"<sup>۱۰</sup>  
و نیز حضرت عبدالبهاء می فرماید:

"ای یاران الهی شرکت خیریّه از تأسیسات ربّ البریّه است زیرا مرتبی ایتم است و کافل راحت فقراء و عجزاء و مساکین انام است و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امر حضرت رحمن. باید این شرکت خیریّه را نهایت اهمیت بدهید تا نفوسی از مبلغین تعیین گردند و در اطراف به تبلیغ پردازند، ترتیل آیات نمایند و نشر نفعات کنند و تلاوت کلمات فرمایند. هر نفسی که معاونت به شرکت خیریّه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود و سبب عزّت ابدیّه آن نفوس گردد. یا احباء الله علیکم بهذا الامر المبرور و الحظ الموفور و السعی المشکور و سوف ترون ان کل جمعیه خیریّه اصبحت مؤیّده بجنود من الملائه الاعلی و غدت منصوره بجیوش من الملکوت الابهی."<sup>۱۱</sup>

و نیز حضرت عبدالبهاء در بیانی دیگر چنین می فرماید:

"اعانه خیریّه را بسیار مهم شمردند و به نهایت اهمیت در این مبرور بکوشند. این اعانه خیریّه از لوازم امور است تا از محتاجان و مضطّران دستگیری شود و از اطفال صغار علی الخصوص ایتم و فقراء که امانت الله اند معاونت گردد و اسباب تربیت فراهم آید. این قضیه تعاون و تعاضد اساس متین در این دور مبین. باید همت را در تأسیس و ترویج اعانه خیریّه مبذول داشت تا امور منتظم گردد و اساس ترقی در جمیع مراتب محکم شود."<sup>۱۲</sup>

در باره محل البرکه یا صندوق خیریّه حضرت ولی امر الله نیز چنین می فرماید:

"... باید در تأسیس و ابقاء و توسعه صندوق خیریه کوشید. تأسیس آن در هر نقطه ای لازم و باید یاران از اعضاء و غیر اعضاء به قدر استطاعت خویش طوعاً نه کرهاً اعانه به این صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم امین صندوق محفل کنند تا به صوابدید اعضای محفل روحانی در امور خیریه و ترویج امرالله صرف گردد. معاونت اغیار از محتاجین و مساکین و ایتم و ارامل و عجزه و فقراء بسیار لازم و واجب، چه که به این واسطه حقیقت اعظم تعالیم امر الهی که آن خدمت به عالم انسانی است اثبات شود و ظاهر گردد..."<sup>۱۳</sup>

و در بیانات حضرت ولی امرالله از جمله در توقیع مبارک مورخ ۳۰ کانون دوم سنه ۱۹۲۶م چنین مذکور است:

"ای عزیزان جان نثار، معشوق آمال در آن دیار چهره نگشاید مگر به تأسیس و ادامه و توسعه صندوق خیریه که از قبل در مکاتیب این عبد اشاره و تأکید گشت. ملاحظه فرمائید که از قلم میثاق چه تأکیداتی مصرحاً نازل میفرماید: «... شرکت خیریه از تأسیسات رب البریه است...». مقصود از شرکت خیریه همانا صندوق خیریه است که به مرور ایام چون توسعه یابد اعضای محفل در نهایت دقت و مواظبت و امانت تبرعات یاران را سرمایه شرکتی قرار دهند و تمام واردات و منافع این شرکت خیریه را صرف تقدّم و پیشرفت امرالله و ترویج منافع عمومی نمایند..."<sup>۱۴</sup>

و نیز حضرت ولی امرالله در توقیعی که به تاریخ مارچ سنه ۱۹۳۱م مورخ است چنین میفرماید: "راجع به تأسیس سرمایه ملی در این ایام نظر به شدت و عسرت امور اقتصادی اقدام به این امر مناسب و جائز نه. من بعد ان شاءالله وسائنش فراهم گردد..."<sup>۱۵</sup>

و نیز در توقیعی دیگر که به تاریخ ۲۵ اگست سنه ۱۹۴۵م مورخ می باشد چنین می فرماید: "... راجع به تأسیس سرمایه ملی فرمودند بنویس حال تأمل نمایند و قتش ان شاءالله خواهد رسید..."<sup>۱۶</sup>

همان طور که از مندرجات آثار مبارکه ای که نقل شد بر می آید در متن این آثار در باره شرائط و کیفیت تأسیس و امور اداری و تجاری محل البرکه شرح و توضیحی مبسوط به چشم نمی خورد، اما از فحوای کلی مطالب و گزارشهای تاریخی مختصری که ذیلاً نقل خواهد شد چنین پیداست که محل البرکه عبارت از صندوق و یا شرکت خیریه ای بوده که برای رفاه و آسایش خلق و حفظ نقدینه و پس انداز وجوه احباء و نیز محافظت از ما ترک متصاعدین الی الله تأسیس شده تا شرکت کنندگان در این مشروع از بهره پول خود استفاده نمایند، به مستمندان، ارامل و ایتم کمک مالی شود و نیز مشروعات عام المنفعه جامعه بهائی مورد حمایت و مساعدت مالی این صندوق قرار گیرند. آنچه در ورای همه این امور در آثار مبارکه بهائی به کرات مورد تأکید قرار گرفته لزوم رعایت امانت و دیانت و تمسک به اصل مشورت در کیفیت اداره این مشروع و عدم تکلیف و اجبار نفوس به تبرع به صندوق محل البرکه است.

تأکید و توصیه جمال قدم به تأسیس محل البرکه از یک طرف و شرایط نابسامان اقتصادی و فقر نسبی موجود در بین اکثریت افراد جامعه از طرف دیگر و لزوم دستگیری از فقرا

و اعاشه محتاجین و نیز مساعدت مالی به امور اجتماعی بهائی احبای بعضی از مناطق مخصوصاً پُر جمعیت تر بهائی را بر آن داشته است تا برای تأسیس محل البرکه حتی المقدور اقدام نمایند. از قرائن موجود چنین پیداست که در مراکز نظیر موصل، بمبئی، بلاد خراسان، طهران، قفقاز، و عشق آباد محل البرکه تأسیس گردیده، ولی همان طور که قبلاً نیز اشاره شد در باره نحوه کار، وظایف اعضای هیئت مدیره، میزان سرمایه گذاری و جزئیات دیگری از امور اجرائی، اداری و تجاری و نقش محل البرکه در امور عام المنفعه فعلاً حقیق را اطلاعاتی جامع و جزئی در دست نیست.

در باره محل البرکه موجود در مدینه موصل جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی که به آن دیار سفر نموده مشاهدات خود را چنین شرح داده است که:

"... احباب موصل و حضرت زین نمونه ساحت اقدس و مدینه مقدسه عکا بودند و کمال اتحاد و اتفاق و یگانگی داشتند و در خدمت و زحمت از یکدیگر سبقت می گرفتند و قصد و املی جز فوز به رضای مبارک اولاً و طواف و زیارت و لقای مبارک ثانیاً نداشتند. و تأسیس محل البرکه هم نموده بودند و از وجه محل البرکه تجارت می نمودند و کوچک و بزرگ احباب در این محل شریک و سهیم بودند به این قرار که هر نفسی هر روزی چه قدر مصروف ضروری لایذی دارد و باید به هر وسیله ای مشروع مصروفی این مصروف را پیدا کند از ده شاهی نیم شاهی تسلیم محل البرکه نماید. آن که ده شاهی مصروف دارد ماهی پانزده شاهی بدهد و آن که زیادتز زیادتز و این وجه تجارت شود و هر یک از سهماء و شرکاء حین اضطرار و استیصال حق گرفتن آنچه داده است با فرعش دارد. و از همان روز باز باید کالسابق بدهد اگر مقیم موصل است..."<sup>۱۷</sup>

جناب فاضل مازندرانی در مجلد هشتم کتاب تاریخ ظهور الحق خود نیز در باره جامعه بهائی بمبئی چنین مرقوم داشته اند:

"... در آن بلد تتی چند از افنان قرار گرفته تجارت و شرکت به نام محل البرکه و مطبعه تأسیس کرده ارسال و مرسل و معامله با بهائیان همه جا کردند..."<sup>۱۸</sup>

جناب فاضل در کتاب اسرار الآثار خود نیز در باره «شرکت خیریه» چنین نوشته اند:

"... شرکت خیریه تأسیس یافته از وجوه بریه در عرف اهل بهاء معروف و مشهور بود و در ابتدا بهر پیشرفت امر تبلیغ بواسطه میرزا عزیزالله خان ورقا و صنیع السلطان و آقا سید نصرالله باقراف و بعضی دیگر تأسیس شد که از آن وجوه مبلغین بهائی را اداره میکردند..."<sup>۱۹</sup>

از مدارک دیگری که افکار و نیات مربوط به تأسیس محل البرکه یا شرکت خیریه را روشن میسازد عریضه ای است که آقا جان ابن هارون همدانی به حضور حضرت عبدالبهاء فرستاده و در آن پیشنهادات خود را در باره کیفیت و اهداف تأسیس محل البرکه به اطلاع آن حضرت رسانیده است. آقا جان ابن هارون در عریضه خود که از ایروان ارسال داشته چنین نوشته است:

"هر یک از بهائیان مشغول با کتاب روزی یک شاهی از مخارج خود برای ترقی ملت منها کنند و مرکزی به جهت ذخیره این وجوه در عشق آباد تأسیس نمایند و در هر بلدی بواسطه امینی اخذ و جمع شده در غره هر ماه به عشق آباد رسانند و در آنجا ابتدا تشکیل

دائرة تجارتی شود و تا نه سال از این وجوه صرف نکنند تا رشته تجارت به هر نقطه متصل گردد و بعد از قوام این کمپانی تأسیس مدارس به اسلوب امری شده آنگاه به مرور ایام بنای مشرق الاذکار و مریض خانه و حمام و معارف و مخارج ارامل و ایتم و غیره و غیره در هر بلد و قریه شود که راحت و آسایش فراهم گردد.<sup>۲۰</sup>

حضرت عبدالبهاء در پاسخ به عریضه و پیشنهادات آقا جان ابن هارون چنین مرقوم فرمودند:

"بادکوبه - ایروان جناب آقا جان ابن هارون همدانی علیه بهاء الله - هو الله - ای سلیل حضرت خلیل در خصوص شرکت خیریّه اساسی که نگاشتی مرغوب و مطلوب. فی الحقیقه در هر شهری تا این اصول مرعیّه مجری نشود امور احتیای الهی انتظام نیابد. لابد بر این است که از برای معیشت ضعیف و فقراء و تربیت اطفال و ایتم مواردی پیدا نمود. آنچه آن جناب مرقوم نموده اند علی العجاله اسهل ترین طرق است. ولی در هر مملکتی مرکز مخصوصی لازم که به قدر امکان هر نفسی معاونتی نماید و چون مبلغ اهمیتی پیدا کند در موارد میروره ربع آن مبلغ صرف شود. اما مرجع جمیع ممالک اگر یک مرکز عمومی تعیین شود کار مشکل است. لهذا باید در هر مملکتی مرکزی به اتفاق احباء تعیین شود و واردات و مصارفات به واسطه انجمنی در آن مملکت اجراء گردد. مثلاً در ایروان واردات و مصارفات تعلق به همان ولایت داشته در تحت اداره انجمن باشد و اگر در مملکتی واردات تزیاید حاصل نماید به اتفاق آراء اگر بخواهند از این مرکز به مرکز دیگر معاونت کنند بسیار مقبول ولی مجبوریت نیست. حال شما در ایروان تأسیس نمائید و این عبد نیز به همان نحو که مرقوم نموده اید مجری خواهد نمود و این سبب خواهد گشت که ان شاء الله در همه جا تأسیس خواهد گشت."<sup>۲۱</sup>

در باره لوح فوق در کتاب تاریخ امری همدان چنین مذکور است:

"در باره لوح مبارک «ای سلیل حضرت خلیل...» که متن کامل آن نقل گردید و تأسیس صندوق خیریّه در همدان جناب یوحنا خان حافظی در شرح خاطرات خود (صص ۱۶۱ - ۱۶۲) شرح جامعی مرقوم فرموده اند که ذیلاً به نقل آن می‌پردازد:

«... میرزا آقا جان این لوح منع را در سال ۱۳۱۹ به همدان آوردند و با مشورت احباء صندوقی به اسم خیریّه روزی یک شاهی تأسیس گشت که هر نفسی از افراد احباء به میل خاطر تقبل نمود روزی یک شاهی در محلی جمع نماید و اول هر ماه تحویل صندوق خیریّه بدهد. به موجب عریضه میرزا آقا جان بنا بوده است تا نه سال از آن مبلغ به هیچ مصرفی نرسد. از ابتداء تأسیس حساب صندوق را به نگارنده واگذار نموده و لابد دو سه سالی در جمع آوری وجوه و رسیدگی به محاسبه پرداخته و هر چه وصول می‌شد به مرابحه گذارده شد تا مبلغ معادل پانصد تومان گردید. ضمناً خانه ای از درویش حمید نامی جنب مشرق الاذکار لازم بود ابتیاع شود. مبلغ دوپست تومان آن مبلغ را به محفل مقدس روحانی قرض داده و آن خانه با مبلغی که اعانه گرفته شده بود خریداری شد که حالیه محل قرائت خانه تأیید است. بقیه مبلغ را به لجنة تقدیس و اگذاشتیم، در تحت نظر آن محفل باقی بود تا محفل تهذیب تأسیس گشت و وجوه بریه به تصرف آن محفل در آمده و در ترقیش کوشیدند. ضمناً به بعضی مصارف لازمه از قبیل مبلغین و فقراء و غیره نیز

از ریح آن صرف شد تا در این تاریخ که سنه ۱۳۴۳ می‌باشد به موجب دستور حضرت ولی امرالله شوقی ربّانی روح ماسواه فداه به لجنه صندوق خیریّه تحویل گردید که با جمع وجوه بریّه امریّه در یک صندوق به اختیار محفل مقدّس روحانی جمع و صرف می‌گردد...».<sup>۲۲</sup>

آنچه از مجموعه نصوص مبارکه و مدارک تاریخی منقول در صفحات فوق استنباط می‌شود آن است که شروع محل البرکه در مراحل مقدّماتی خود از نتایج اقدامات فردی بعضی از احنّاء در جوامع مختلفه بهائی بوده و پس از تأیید و تصویب مرکز امر به تدریج تحوّل یافته و پس از تحکیم اساس محافل محلی و ملی به صورت صندوق‌های محلی و ملی در آمده و سپس با تأسیس معهد اعلیٰ به صورت صندوق بین المللی بهائی به کمال خود واصل گردیده است.<sup>۲۳</sup>

تصریحات حضرت بهاءالله در آثاری که نقل شد و نیز تشویقات و هدایات حضرت عبدالبهاء در لوح فوق و سایر الواح مبارکه ای که خطاب به وجوه احباء در عشق آباد، قفقاز و ایران از قلم آن حضرت عزّ صدور یافته منجر به اقدام چند تن از احبای عشق آباد به تهیه و تحریر نظامنامه و یا اساسنامه ای شده است که متن آن را ذیلأً به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند. این اساسنامه به خط نستعلیق شکسته، با دست در یک صفحه و نیم به رشته تحریر در آمده و صفحه اول آن شامل بیست و شش سطر و نیم صفحه بعدی حاوی یازده سطر می‌باشد و به صورت ژلاتینی تکثیر شده است. امضاء اعضای هیئت مدیره محل البرکه که نام آنان در متن اساسنامه مذکور شده در ذیل اساس نامه مشاهده می‌گردد و از قرائن می‌توان چنین حدس زد که این اساسنامه محتملاً اولین اساسنامه ای است که در باره کیفیت اداری و امور اجرایی محل البرکه به رشته تحریر و تنظیم در آمده و لذا اهمیّت تاریخی خاصی دارد. واضح است که بعدها در ظل تشکیلات اداری بهائی مسئله صندوق‌ها و یا شرکت‌های خیریّه بهائی به تدریج صورت کامل‌تر و جامع‌تری یافته و ابعادی گسترده پیدا نموده است.

متن اساسنامه مزبور چنین است:

بسم الله البهی الابهی

به مبارکی و میمنت اسم اعظم و تأیید و توفیق حضرت مولی العالم از ابتدای تاریخ بیست و سه (۲۳) شهر رجب سنه ۱۳۱۷ مطابق هفدهم (۱۷) ماه نویامبر [نوامبر] سال هزار و هشتصد و نود و نه (۱۸۹۹)<sup>۲۴</sup> مسیحی محض اجراء حکم الله و ملاحظه خیر عموم احباءالله در عشق آباد تشکیل اداره مبارکه محل البرکه به قرار فصول مفصله ذیل می‌گردد:

فصل اول - هفت نفر از نفوس مقدّسه تجّار نوبی العزّ و الاحترام که اسامیشان از این قرار است: جناب آقا حسینعلی تاجر یزدی احمد اوف، جناب آقا عزیزالله تاجر خراسانی اسمعیل اوف، و جناب استاد علی اکبر معمار یزدی باقر اوف، و جناب آقا مشهدی یوسف تاجر میلانی حسین اوف، جناب حاجی عبدالرسول تاجر یزدی علی اوف، جناب آقا محمدرضای ارباب تاجر اصفهانی کاظم اوف، جناب آقا علی اکبر تاجر میلانی عباس اوف<sup>۲۵</sup> قبول زحمت نمودند و در عهده گرفتند که وجوه محل البرکه را از صاحبان سهام

تحويل گرفته و به صلاح دید و مشورت یکدیگر به موجب فصول و شرایط آتیه داخل تجارت و امور نافعۀ مفیده نمایند.

فصل دوم - نفوس مسطورۀ فوق در مابین خود جناب آقا مشهدی یوسف حسین اوف را مدیر و تحويل‌دار وجوه محل البرکه معین نمودند و شش نفر دیگر از این نفوس مسطورۀ قبول ضمانت کردند که هر گاه خدای نخواستہ در وجوہات محل البرکہ تفریط و تلفی واقع گردد از عہدہ برآیند.

فصل سوم - مدیر باید به صلاح دید و مشورت شش نفر دیگر که از اجزاء ادارہ هستند در امر تجارت متعلقہ بہ محل البرکہ رفتار نماید و هر گاہ بدون مشاورۀ اجزاء معاملہ بنماید و خسارت یا تلفی رو دہد باید مدیر خود بنفسہ از عہدہ برآید، ولکن سایر اجزاء نیز ضامنند کہ اگر مدیر جواب صاحبان سهام را ندهد از عہدہ برآیند.

فصل چهارم - ہفتہ ای یک مرتبہ باید مدیر با اجزاء در خصوص امور متعلقہ بہ تجارت محل البرکہ مشورت نماید و هر وقت مطلب فوری لازم شود باید بہ اجزاء اطلاع دہد و اجزاء تا چہار نفر هر گاہ حاضر باشند و مابقی غایب هر حکم کہ بنمایند مجری است.

فصل پنجم - مدت یک سال اول حق مدیر و کلدی [؟] و منشی از وجوہات محل البرکہ ساقط است و در اول سال دوم هر طور اجزاء بدانند معمول خواهد گردید.

فصل ششم - باید مدیر در اول هر سال صورت حساب عایدی محل البرکہ را بہ صاحبان سهام اطلاع بدهد.

فصل ہفتم - صاحبان سهام هر قدر وجہی کہ می‌دهند باید در کتابچہ مخصوص ادارہ محل البرکہ بہ امضای مدیر ثبت نمودہ در دست داشته باشند.

فصل ہشتم - هر کسی از یک عباسی الی صد منات<sup>۲۶</sup> در سر هر ماہ بہ رضا و رغبت خود می‌تواند داد قبول میشود. ولکن هر کس هر چہ معین نمودہ باید بر سبیل استمرار در سر هر ماہ بہ ماہ بدون مطالبہ خود برساند.

فصل نهم - صاحبان سهام هر زمان پول خود را خواستہ باشند بگیرند اختیار دارند. ولکن هر گاہ قبل از اتمام یک سال است از قرار صدی شش در سال بہ او نزول دادہ می‌شود و هر گاہ تا مدت یک سال پول او مانده باشد پول او با هر قدر کہ سهم عایدی آن است بہ او تسلیم می‌گردد.

فصل دہم - هر گاہ صاحبان سهام بخواهند سهم خود را بہ دیگری بفروشند باید اولاً بہ مدیر اطلاع بدهد. ولکن احدی از شرکاء حق فروختن بہ غیر اہل بہاء ندارد.

فصل یازدہم - از بابت حقوق و امورات خیریہ هر کس هر چہ بر سهم او تعلق می‌گیرد و نخواہد بدهد خود مختار است. مدیر و اجزاء بہ هیچ وجہ تصرفی در این امور نخواہند نمود.

فصل دوازدهم - هر کس وجہی بر سبیل امانت در ادارہ محل البرکہ بگذارد قبول می‌شود. ولکن اگر یک ماہ بماند بہ او نزول دادہ نمی‌شود، و هر گاہ بیشتر از یک ماہ بگذارد از قرار سالی صد شش بہ او نزول دادہ می‌شود.



فصل سیزدهم - هر گاه کسی از صاحبان سهام در وقت لزوم به وجهی محتاج شود تا مقدار نصف وجهی که در اداره موجود دارد به او قرض داده می‌شود تا مدت سه (۳) ماه و از قراری مناتی یک کاپک از او نزول گرفته میشود.

فصل چهاردهم - هر کس سهم مقرری خود را در سر هر ماه باید بدون مطالبه به اداره برساند و در کتابچه مخصوص اداره که به صاحبان سهام داده می‌شود به امضای مدیر ثبت نماید و هر گاه کسی تا دو ماه وجه مقرری خود را به اداره نرساند اسم او را از دفتر سهام بیرون و پول او را به او تسلیم می‌نمایند و از قراری صدی شش به او نزول می‌دهند، و هر گاه بعد از دو ماه وجه ماه‌های گذشته را نیز به اداره بخواهد برساند باید مناتی یک کاپک نزول بدهد.

فصل پانزدهم - احدی از شرکاء نمی‌تواند سهم مقرری خود را کم و زیاد بنماید، مگر در اول هر سال که به حساب محل البرکه رسیدگی می‌شود، اگر کسی بخواهد سهم خود را کم و زیاد بنماید ممکن است.

فصل شانزدهم - هر گاه کسی علاوه بر سهم مقرری ماه به ماه بخواهد وجهی عمده در محل البرکه به عنوان شراکت بگذارد به سه شروط قبول می‌شود: اول آن که باید در هر سال که عبارت از یوم جلوس مبارک حضرت من اراده الله ارواحنا فداه است باشد. و ثانی آن که تا سه (۳) سال کمتر، حق مطالبه آن وجه را ندارد. ثالث، سهم او در سال اول که حق مدیر و منشی و کلدی [۴] ساقط است در خصوص منافع عاید از قرار هر یک صد منات معادل صد و پنجاه منات سهم مقرری محسوب می‌گردد. و لکن در سالهای بعد هر یک صد منات از قرار دویست منات سهم مقرری منفعت می‌برد.

صح: ۲۷. اقل یوسف میلانی - حسین علی احمداف - حاجی عبدالرسول علیوف - علی اکبر باقراف - عزیزالله اسماعیلوف - علی اکبر عباس اوف - محمدرضا کاظم اف.<sup>۲۸</sup>

### یادداشت‌ها

- ۱- مطالعات مربوط به جامعه بهائی در روسیه به صورت مقاله‌ای به زبان انگلیسی در باره جامعه بهائی عشق آباد در دایرةالمعارف ایرانیکا (ج ۳، صص ۴۶۰ - ۴۶۱) انتشار یافته و نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «دیانت بهائی در روسیه» در پژوهشنامه، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۵۳ بدیع، صص ۳ - ۵۷، منتشر گردیده است. کتاب تاریخ عشق آباد نیز که به قلم جناب استاد علی اکبر بنای یزدی به رشته تحریر در آمده بوسیله حقیر در سال ۲۰۱۵م به همت لجنة ملی نشر آثار امری در آلمان انتشار یافته است.
- ۲- حضرت بهاءالله، مجموعه آثار قلم اعلیٰ (طهران: لجنة ملی محفظه آثار، ۱۳۳ بدیع)، شماره ۲۷، صص ۳۵۵ - ۳۵۶. تمام این لوح مبارک در کتاب بیک راستان که بوسیله این عبد تألیف شده (دارمشتات: عصر جدید، ۲۰۰۵م، صص ۶۰ - ۷۱) نیز مندرج است. فقره‌ای از این لوح در کتاب امر و خلق، اثر جناب فاضل مازندرانی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۱ب)، ج ۴، صص ۲۳۹ - ۲۴۰، به طبع رسیده است.

۳- مقصود از «جناب اسد» که در آثار جمال قدم در باره محل البرکه مذکور شده میرزا اسدالله اصفهانی فرزند میرزا حسن علی نوری است. میرزا اسدالله دختر میرزا محمدعلی نهری، یعنی خواهر حرم حضرت عبدالبهاء، را در حباله نکاح داشت. مقصود از «ابن اسمی الاصدق» ایادی امرالله جناب علی محمد ابن اصدق است که شرح مفصل احوال و آثار ایشان در کتاب بیک رستان مندرج است. مقصود از «اراضی خا» بلاد خراسان است.

۴- مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۸، صص ۴۱۶ - ۴۱۸. مقصود از ارضی به ظن قوی یزد و ش شیراز و ط طهران و ق قمصر و ک کاشان است. مقصود از «حضرت افنان» دقیقاً معلوم نیست، اما جناب حاجی سید میرزا افنان و جناب حاجی میرزا سید محمد افنان به امور تجاری و فعالیت‌های وسیع بازرگانی در هند و ایران مشغول بوده‌اند. شرح حال این نفوس در کتاب جناب دکتر امین الله شهیدیان که به نام منسوبان آستان طلعت اعلی - خاندان افنان انتشار یافته (استرالیا: ۲۰۰۹م) مندرج است. مقصود از «اسم الله م ه» سید مهدی دهجی است. شرحی از احوال سید مهدی در ذیل «سید دهجی» در رحیق مختوم، جلد اول (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۰۱ب)، اثر جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری مندرج است.

۵- مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۲۷، ص ۱۵.

۶- مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۷، صص ۱۵۷ - ۱۵۸.

۷- مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۲۸، ص ۴۲۵.

۸- مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۸، صص ۳۹۳ - ۴۰۹.

۹- فقره ای از این لوح در کتاب امر و خلق، ج ۴، ص ۲۴۰، به طبع رسیده است.

۱۰- عبدالحمید اشراق‌خاوری، مائده آسمانی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ب)، ج ۵، ص ۸۴. فقره ای از این لوح در کتاب امر و خلق، ج ۴، ص ۲۴۱، نیز مندرج است.

۱۱- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (قاهره: کردستان العلمیه، ۱۳۳۰ه.ق.)، ج ۲، صص ۱۱۵ - ۱۱۶. فقره ای از این لوح در کتاب امر و خلق، ج ۴، صص ۲۴۰ - ۲۴۱، نیز مندرج است.

۱۲- امر و خلق، ج ۴، صص ۲۴۱ - ۲۴۲.

۱۳- حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ب)، ج ۱، صص ۱۷۲ - ۱۷۳.

۱۴- توقیعات مبارکه، ج ۱، صص ۲۷۳ - ۲۷۴. بیان حضرت عبدالبهاء که در توقیع حضرت ولی امرالله نقل شده و چند کلمه ای از آن از توقیع مزبور نقل گردید به صورت مفصل‌تر در سطور فوق مندرج است.

۱۵- توقیعات مبارکه، ج ۲، ص ۱۹۸. مقصود از اصطلاح «سرمایه ملی» که در این توقیع به کار رفته احتمالاً همان محل البرکه، شرکت خیریّه و صندوق خیریّه مصرّح در آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله است که به ظن قوی از سنه ۱۹۳۰ میلادی به بعد تشکیلات بهائی ایران مایل به توسعه و تثبیت و تسجیل آن در دفاتر رسمی دولتی و یا بانک‌های خصوصی و یا ملی به نام جامعه بهائی بوده اند تا از

سود و عایدات دیگر آن از طریق سرمایه‌گذاری‌های متداول در نظامهای اقتصادی بهره مند گردند. بدیهی است که حصول اطلاع دقیق از نیات و برنامه ریزی تشکیلات بهائی ایران و جزئیات دیگری که در سالهای دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م در نظر داشته اند محتاج مراجعه به عرایضی است که در آن ایام به حضور حضرت ولی عزیز امرالله ارسال گردیده است.

۱۶- حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۰ب)، ج ۳، ص ۲۷۶.

برای ملاحظه نصوص دیگر حضرت ولی امرالله در باره صندوق خیریه به صفحه شماره ۶ فهرست مطالب در مجلد اول کتاب توقیعات مبارکه مراجعه فرمائید.

۱۷- حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی، بهبخت الصدور (لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار، ۲۰۰۲م)، صص ۱۴۶ - ۱۴۷.

۱۸- اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق (طهران: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۳۱ب)، ج ۸، ص ۱۴۹. اشاره جناب فاضل به اقدامات بعضی از عائله افنان در هند است که در حدود سال ۱۲۹۸ه.ق. - ۱۸۸۱م موفق به تأسیس محل البرکه در بمبئی شدند تا مخارج ضروریه اقدامات و خدمات مربوط به امر مبارک را تأمین نمایند. مقصود از افنان محتملاً حاجی سید میرزا و آقا سید محمد افنان هستند که ذکر آنان در سطور فوق نیز به عمل آمد.

۱۹- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار (طهران: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۲۸ب)، ج ۳، ص ۲۲۹. شرح حال عزیزالله ورقا در تاریخ ظهور الحق، ج ۸، صص ۴۹۱ - ۴۹۵، و خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (دارمشتات: انجمن ادب و هنر، ۱۹۹۴م)، شماره ۵، صص ۵۱ - ۵۲، مندرج است. شرح احوال جناب صنیع السلطان نیز در خوشه‌های مذکور (صص ۵۲ - ۵۳) آمده است. شرح حال جناب آقا سید نصرالله باقرآف در کتاب تاریخ ظهور الحق، ج ۸، صص ۳۸۲ - ۳۸۳، مندرج است.

۲۰- امر و خلق، ج ۴، ص ۲۴۲ - ۲۴۳ به طبع رسیده و ۲۱- فقره ای از این لوح در کتاب امر و خلق، ج ۴، صص ۲۴۲ - ۲۴۳ به طبع رسیده و تمام آن در کتاب تاریخ امری همدان (لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار، ۲۰۰۴م)، اثر جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری، ص ۲۸۹، منتشر گردیده است. برای ملاحظه شرحی از احوال میرزا آقا جان ابن هارون همدانی (ایروانی) و اقداماتی که در خصوص مشروعات خیریه ای که مبتنی بر منطوق لوح مبارک صورت گرفته به تاریخ امری همدان، صص ۱۰۶ - ۱۰۷، مراجعه فرمائید.

۲۲- تاریخ امری همدان، ص ۲۹۱.

۲۳- برای ملاحظه نصوص مبارکه در باره کیفیت تحوّل و توسعه محل البرکه به عنوان یکی از مؤسسات وابسته به نظم اداری بهائی به نصوص حضرت ولی امرالله در فصل «صندوق خیریه» در کتاب منتخبات توقیعات (طهران: لجنة ملی نشر آثار، ۱۳۲۷ه.ش.)، صص ۲۱۳ - ۲۲۴، مراجعه فرمائید.

۲۴- تواریخی که با یکدیگر تطبیق داده شده بر اساس مطابقت تقویم هجری قمری با تاریخ میلادی جولین است. بنا بر تاریخ میلادی گریگوری، ۲۳ رجب ۱۳۱۷ ه.ق. مطابق با ۲۸ نوامبر ۱۸۹۹ م می‌باشد.

۲۵- شرح حال این نفوس در کتاب تاریخ عشق آباد، که ذکر آن در صدر مطالب به عمل آمد، مذکور شده است.

۲۶- عباسی بنا بر مندرجات خاطرات وکیل التولیه (طهران: سخن، ۱۳۸۸ ه.ش.)، ج ۲، ص ۱۵۰۳، عبارت است از: "واحد پول که در زمان شاه عباس بزرگ ایجاد شد. وزن رسمی آن معادل یک مثقال یا ۶/۶۴ گرم بوده است. در اواخر قاجار و اوایل پهلوی یک عباسی معادل دو «صد دینار» یا چهار شاهی بود."

منات نام واحد پول متداول در روسیه بوده است. کاپک یا کوپک که ذکر آن نیز در این اساس‌نامه آمده است جزئی از منات است و صد کاپک عبارت از یک منات می‌باشد.

۲۷- کلمه «صح» محتملاً مخفف کلمه «صحیح» است. بنا به نوشته لغت‌نامه دهخدا «صح» به فتح صاد و حاء مشدد به معنی امضاء و تصدیق استعمال می‌شود.

۲۸- جالب توجه است که قضیه «بانکهای پس اندازی» در جراید سالهای اولیه قرن بیستم در مطبوعات ایران نیز محل توجه قرار گرفته است. از جمله در جریده «حبل المتین» چاپ طهران (سال اول، شماره ۲۵۲، مورخ ۱۲ صفر ۱۳۲۶ ه.ق. - ۱۵ مارس ۱۹۰۸ م، ص ۳) چنین مذکور است:

#### «بانکهای پس اندازی»

بدیهی است که پول پول می‌آورد. بنا بر این تمام افراد ناس را باید تشویق کرد که پول پس انداز کنند و از آن فایده ببرند و هر قدر هم این پولهای پس اندازی کم باشد، اگر چند سالی چند قران باشد، باز بهتر از هیچ است. برای این مقصود باید در تمام پستخانهای مملکت یک اداره ترتیب داد که مردم پس اندازهای خود را آنجا امانت بگذارند و در ازای آن ربح عادلانه دریافت کنند.

در تمام دول متمدنه این رسم هست و هم دولت از آن منتفع می‌شود هم مردم. دلیلی نداریم بر اینکه در ایران این رسم را نتوان معمول داشت.